

اسم ساختمان

✽ فخری زارعی، دبیر زبان و ادبیات فارسی اصفهان

چکیده:

موسسینده به نقل از چند منبع، انواع ساختمان اسم را در فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی دری بیان کرده و سپس کلمات مرکب را بنابر دیدگاه دستور نویسان سنتی و جدید شرح کرده است. آن چه می خوانید بخش ساختمان اسم در فارسی دری و کلمات مرکب مقاله است.

سیستم مشتق

مرکب: عبارت، مشتق، مرکب، دستور سنتی، دستور جدید

ساخت اسم در زبان فارسی دری (فارسی)

چهار نوع است:

۱. بسیط ۲. مشتق ۳. مرکب ۴. عبارت

[گروه اسمی]

۱. بسیط: نام های بسیط به دو صورت

تقسیم می شوند:

الف- نام هایی که از ماده فعل نیستند؛ مانند درخت (اسم) و سپید (صفت). ب- نام هایی که از ماده فعل اند و با تغییر محل تکیه (اگر بیش از یک هجا باشند) به عنوان نام به کار می روند؛ مانند دریافت (از ماده ی ماضی) و درخور (از ماده ی مضارع)

۲. مشتق: اسم های مشتق در زبان فارسی

(دری) هم چون ایرانی باستان و میانه اسم هایی هستند که با پیشوند و پسوند همراه می شوند.

بعضی از پیشوندهای ایران میانه با تغییر صورت به دری رسیده اند؛ مثلاً وندهای a-an-anā به صورت «نا» به فارسی دری رسیده اند و هم اسم و هم صفت از آن ها ساخته می شود: نامردمی = اسم ناپاک = صفت

در فارسی دری کلمات عربی لا، بلا، ذو، ذی به عنوان پیشوند به کار می روند: ذوقنون، لامذهب، بلاد رنگ، ذی حیات و...

۳. مرکب: در فارسی دری روش های

رایجی که برای ساختن کلمه ی مرکب در ایران میانه به کار می رود رایج است.

الف- مرکب های آزاد

۱. نام های مرکبی که میان اجزای آن چیزی

آورده نمی شود:

اسم + اسم = اسم: گاو میش، شتر مرغ

اسم + اسم = صفت: راه راه

صفت + صفت = صفت: ترش شیرین،

پاره پاره

۲. نام های مرکبی که میان اجزای آن «و»

باز مانده ی «و» فارسی میانه یا «ا» قرار می گیرد (این اسم ها در دستور زبان معاصر مشتق مرکب نامیده شده اند). مثال: مرز و بوم، خان و مان، سپید و سیاه، گیر و دار، آمد و شد، سراسر، تنگاتنگ و...

ب- مرکب های وابسته

۱. نام هایی که از ترکیب دو اسم به وجود

می آیند؛ مثال: کارنامه، بارنامه

۲. نام هایی که از ترکیب یک اسم و یک

صفت به وجود می آیند؛ مثال: نیک گهر، سیاه چشم، سر بلند، چشم سفید

۳. نام هایی که از ترکیب صفت فاعلی

مضارع با اسم به وجود می آیند؛ (طبق دستور جدید: عیب + جوی + انده = مشتق مرکب

است. در دستور جدید مثال های ۳/۴/۵ به صورت مشتق مرکب مطرح اند.) مثال: عیب

جوینده، نام جوینده

۴. نام هایی که از ترکیب صفت فاعلی

گذشته با اسم و یا صفت به وجود می آیند؛ مثال: گم گشته، سرخ شده، سرگشته، دل شده

۵. نام هایی که از ترکیب صفت مفعولی با

اسم و صفت به وجود می آیند؛ مثال: جهان دیده، خاک آلوده، سرخ کرده

۶. نام هایی که از ترکیب اسم با ماده ی

مضارع به وجود می آیند؛ مثال: سرکوب، چشم انداز، راهرو، سر نشین، راه نشین، جنگ جو، آب پز

۷. نام هایی که از ترکیب اسم و ماده ی

ماضی متعددی به وجود می آیند؛ مثال: خاک آلود

۸. نام هایی که از قید و اسم به وجود

می آیند؛ مثال: بالادست، پس فردا، زیر زمین

۹. نام هایی که از ترکیب قید با ماده ی

مضارع به وجود می آیند؛ مثال: تندرو، بلندگو، پاک نویس

۱۰. نام هایی که از ترکیب ضمیر مشترک

خود با اسم به وجود می آیند؛ مثال: خودکار، خودکام، خودرأی

۱۱. نام هایی که از ترکیب ضمیر مشترک

خود با صفت مفعولی گذشته به وجود می آیند؛ مثال: خود ساخته، خود خواسته

۱۲. نام هایی که از ترکیب ضمیر مشترک

«خود» و «خویشتن» با ماده ی مضارع به وجود می آیند؛ مثال: خودرو، خودخواه، خویشتن بین

ج- نام های مرکبی که در اصل فعل اند:

۱. تکرار دو فعل امر؛ مثال: بزن بزن، بخور بخور

۲. تکرار فعل امر و نهی؛ مثال: بگو مگو، کش مکش

۳. تکرار دو فعل امر یا یک امر و یا یک

آموزش زبان و ادب فارسی

شماره ی ۳ دوره ی بیست و چهارم ۱۳۸۶

نهی با یک «و» در میان آن‌ها («و») در دستور زبان فارسی جدید میانوند است و اسم‌هایی که صورت ساخت آن‌ها این گونه است مشتق مرکب اند. مثال: بخور و نمیر، بیا و برو، بگیر و ببند

۴. عبارت [با گروه اسمی]: نام‌های فارسی دری که از یک عبارت به وجود می‌آیند صفت اند؛ مثال: سر به هوا، سر به زیر، سخن در زبان آفرین، بیج در بیج، دم به دم، شسته مغز از خرد، پای از گلیم خویش فراتر دراز کن

ساختمان اسم

اسم از نظر ساختمان بر دو قسم است (با توجه به نظر دکتر خسرو فرشیدورد، دستور مفصل امروز چاپ اول صص ۱۹۳ تا ۲۰۷)

بسیط و غیر بسیط

اسم غیر بسیط خود بر دو قسم است: ۱. مشتق ۲. مرکب
۱. اسم بسیط: اسمی که بی جزء باشد؛ مانند: پدر، ماه، حرمان، تحسین، دو، ساز، جوش

۲. اسم مشتق: اسم‌های مشتق به دو دسته‌ی پیشوندی و پسوندی تقسیم می‌شوند.

اسم مرکب

امروز ساختمان فعالی برای اسم مرکب نداریم (اسم‌هایی که تنها از ریشه‌ی مضارع به وجود می‌آیند)، اما برای صفت مرکب چند ساختمان فعال موجود است.

اسم‌های مرکب از جهات مختلف به اقسامی تقسیم می‌شوند؛ مثلاً از لحاظ رابطه‌ی آن‌ها با ریشه‌ی فعل بر دو قسم اند: ۱. فعلی ۲. غیر فعلی

هم چنین اسم‌های مرکب از جهت دیگر بر سه قسم اند: ۱. وابستگی ۲. همسانی

۳. بین بین

از نظر ژرف ساخت نیز بر سه قسم اند:

۱. مقلوب یا درهم ریخته ۲. مستقیم ۳. بینابین
در این قسمت به بررسی اسم‌های مرکب فعلی و غیر فعلی می‌پردازیم.

اسم‌های مرکب فعلی

اسم‌های مرکب فعلی از ریشه‌ی مضارع یا مصدر تام یا مصدر کوتاه (یا مصدر مرخم) و یا اسم مصدر ساخته می‌شوند.

۱. اسم‌های مرکب مصدری

۱. از اسم یا قید یا پیشوند و مصدر کوتاه؛ مانند: پیشرفت، بازگشت، دریافت (فعل‌های مثل دریافت و بازگشت در دستور جدید مشتق شمرده می‌شوند.)

۲. از فعل‌های مرکب یا گروه‌های فعلی یا حذف «ن» مصدری؛ مانند: عملکرد، کاربرد، نگهداشت

۲. اسم‌های مرکب غیر مصدری

۱. اسم و ریشه‌ی مضارع به معنی اسم مکان، اسم مصدر، اسم آلت؛ مثال: مال‌رو، صید یاب، پابوس، گوشمال، بازبین،

روکش، دست‌بند

۲. از مفعول‌رانی و ریشه‌ی مضارع به معنی اسم آلت و صفت فاعلی (این ساختمان هنوز فعال است)؛ مثال: قندشکن، سرپوش،

بالا پوش

۳. از قید یا پیشوند یا قید شبه‌پیشوند و ریشه‌ی مضارع به معنی اسم مصدر؛ مثال: بازدم، فروگذار، برگزار (این اسم‌ها در دستور جدید مشتق نامیده شده‌اند.)

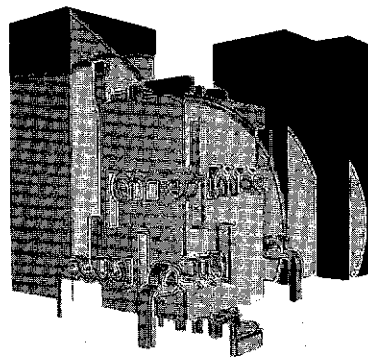
۴. از اسم و ریشه‌ی مضارع و پسوند که خود بر چند قسم است (این اسم‌ها در دستور جدید مشتق مرکب شمرده می‌شوند.) مثال: سرزنش، دستگیره، پاشوره

۵. از صفت‌های بیانی مرکب فعلی و پسوندهای دیگر؛ مثال: سرگشتگی، درماندگی، واپس‌زدگی، توانایی، رانندگی

اسم‌های مرکب غیر فعلی

این اسم‌ها بر سه قسم اند: ۱. وابستگی ۲. همسانی ۳. بینابین
تعدد صورت‌های ساخت اسم‌های مرکب را در جدول زیر ملاحظه می‌کنید:

۱. اسم‌های مرکب مستقیم	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مشتق مستقیم	از مضارع و مصدر
۲. حذف کسره، بی‌خاله		۲. حذف کسره، بی‌خاله	
۱. اسم‌های مقلوب	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مقلوب	از مضارع و مصدر
۲. همسان		۲. همسان	
۱. اسم‌های مرکب وابستگی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب وابستگی	از مضارع و مصدر
۲. همسانی		۲. همسانی	
۱. اسم‌های مرکب غیر وابستگی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب غیر وابستگی	از مضارع و مصدر
۲. بینابین		۲. بینابین	
۱. اسم‌های مرکب عطفی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب عطفی	از مضارع و مصدر
۲. اسم‌های مرکب همسانی		۲. اسم‌های مرکب همسانی	
۱. اسم‌های مرکب وابستگی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب وابستگی	از مضارع و مصدر
۲. اسم‌های مرکب همسانی		۲. اسم‌های مرکب همسانی	
۱. اسم‌های مرکب غیر وابستگی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب غیر وابستگی	از مضارع و مصدر
۲. اسم‌های مرکب بینابین		۲. اسم‌های مرکب بینابین	
۱. اسم‌های مرکب عطفی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب عطفی	از مضارع و مصدر
۲. اسم‌های مرکب همسانی		۲. اسم‌های مرکب همسانی	
۱. اسم‌های مرکب وابستگی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب وابستگی	از مضارع و مصدر
۲. اسم‌های مرکب همسانی		۲. اسم‌های مرکب همسانی	
۱. اسم‌های مرکب غیر وابستگی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب غیر وابستگی	از مضارع و مصدر
۲. اسم‌های مرکب بینابین		۲. اسم‌های مرکب بینابین	
۱. اسم‌های مرکب عطفی	از مضارع و مصدر	۱. اسم‌های مرکب عطفی	از مضارع و مصدر
۲. اسم‌های مرکب همسانی		۲. اسم‌های مرکب همسانی	



اسم‌های مرکب عربی: ماجرا،
عکس العمل، مقسوم‌الیه، مابعدالطبیعه
اسم‌های ترجمه‌ای: عدم صلاحیت
(income petence) تجدید حیات
(renaissance)

بعضی از دستورنویسان (از جمله دکتر محمدجواد مشکور در دستورنامه) ساختمان اسم را فقط به دو صورت کلی مفرد و مرکب مورد بررسی قرار می‌دادند و اسم مشتق را از دیدگاه دیگری (در کنار اسم جامد) بررسی می‌کردند. هم چنین در مبحث مرکب به طور کلی کلمات مرکب را در نظر می‌گرفتند، هم چنان که در فارسی باستان تحت عنوان کلی «نام» یعنی (اسم و صفت) بود.

اسم جامد: آن است که کلمه از کلمه‌ی دیگری گرفته نشده است؛ مانند: سر، کوه، دشت
اسم مشتق: اسمی که از کلمه‌ای دیگر گرفته شده است؛ مانند: کردار، دیده

اسم ساده یا بسیط: آن است که تنها یک کلمه باشد؛ مثال: مرغ، پرده

اسم مرکب: آن است که از دو کلمه یا بیش تر تشکیل شده باشد؛ مثال: کاروان سرا اصلی ترین ساخت های کلمات مرکب:

۱. دو اسم یا هم بیابند؛ مثال: سرا پرده، صاحب دل
۲. اسم و صفت؛ مثال: دل سرد، تنگدل
۳. صفت و اسم؛ مثال: خیره سر، بلندقد
۴. اسم فاعل و اسمی دیگر؛ مثال: درنده خوی، گیرنده دل

۵. از دو قید؛ مثال: چون و چرا
۶. از دو فعل؛ مثال: کشاکش، گیرودار
۷. از مصدر مرخم و فعل؛ مثال: جست و جو، شست و شو
۸. از عدد و اسم؛ مثال: چهارپا، چهل ستون

۹. از دو مصدر مرخم؛ مثال: تاخت و تاز، برد و باخت
۱۰. مصدر و اسم مصدر؛ مثال: خورد و خواب

۱۱. مضاف و مضاف‌الیه؛ مثال: تخت‌خواب، جام جم

۱۲. مشبه و مشبه‌به؛ مثال: گلرخ، ماهرو، سروقد

۱۳. اسم و پساوند؛ مثال: باغبان و دهکده

۱۴. پيشاوند و اسم؛ مثال: بازديد، درآمد

۱۵. گاهی در ترکیب دو یا سه نام را به یکدیگر در هم می‌آمیزند؛ مثال: شتر گاو پلنگ، موش خرما

۱۶. گاهی در ترکیب، اسم مرکب با حذف کسره‌ی اضافه به دست می‌آید؛ مثال: پدرزن، سرمایه

بعضی دستورنویسان در مورد ساختمان اسم این گونه گفته‌اند:

- اسم مفرد یا ساده آن است که یک کلمه و بی جزء باشد؛ مثال: دست، پا، مرغ
اسم مرکب یا آمیخته آن است که از دو کلمه یا بیش تر ترکیب شده باشد؛ مثال: کارخانه، باغبان، کاروان سرا
اسم مرکب ممکن است از کلمات ذیل ترکیب گردد:

۱. از دو اسم: گلاب، گلشکر
۲. از دو فعل: گیرودار، بود و نبود
۳. از صفت و اسم: نوروز، سبزکوه
۴. از عدد و اسم: چارپا، سه خواهر
۵. از صفت و فعل: شادباش، خرم باش
۶. از دو مصدر: رفت و آمد، زدو خورد
۷. از مصدر و اسم مصدر: جست و جو، گفت و گو، خورد و خواب
۸. از حرف و اسم: بدست به معنی وجب
۹. از اسم و پسوند: باغبان، جویبار، لاله‌زار

کلمات جامد و مشتق از نظر پنج استاد، همانند دکتر مشکور تقسیم و تعریف شده است. از نظر ایشان برای مرکب ساختن دو یا چند کلمه از چند طریق این کار انجام می‌گیرد:

۱. به خودی خود؛ باغبان، گلشکر
۲. با حذف کسره اضافه؛ پدرزن، صاحب دل

۳. با تقدیم مضاف‌الیه بر مضاف: گلاب، کارخانه، دست‌مایه

۴. به واسطه‌ی الف که میان دو کلمه افزوده شود؛ شباروز، بناگوش، زناشوئی

۵. به واسطه‌ی «او» که در میان دو کلمه درآوردند؛ زدوبند، کاروبار، رفت و آمد
هم چنین گروه کلمات را مجموع کلماتی می‌دانند که از یک ریشه و ماده مشتق شده باشند؛ مانند: «پرنده، پرش، پران، پریده، پریذگی» که همه از پریدن مشتق شده‌اند.

دکتر پرویز ناتل خانلری در مبحثی اسم مرکب را با دید جدیدی نسبت به پنج استاد و دستور دکتر مشکور بررسی کرده است و آن، این است که اسامی مرکب را تقسیم بندی کرده است به:

اسم‌هایی که دو جزء آن معنی مستقلی دارند: کتاب‌خانه، گلاب، رودخانه، سیاه‌کوه
اسم‌هایی که یک جزء معنی دار و یک جزء فاقد معنی مستقل: خردمند، ناامید، شرمگین، ییکار، گلزار، غمناک

اجزائی را که دارای معنی مستقل نیستند اما در ساخت کلمه‌ی دیگر نقش دارند «اجزای پیوند» می‌خوانیم. اگر پیش از کلمه‌ی دیگر واقع شوند «پیشوند» و اگر پس از کلمه قرار گیرند «پسوند»‌اند.

دستورنویسان سنتی گویا اکثر به جداسازی اسم‌های مرکب از مشتق عقیده‌ای نداشته‌اند. (از جمله در کتاب دستور آقایان دکتر انوری و احمد گیوی).

معروف ترین انواع اسم‌های مرکب از نظر ایشان از اجزای زیر ساخته می‌شوند (به نقل از دستور زبان فارسی، ج ۶، سال ۷۰،

۳. مجموع مضاف و مضاف‌الیه یا موصوف و صفت یا ترکیب‌های عطفی، هنگامی که به هم پیوندند و تشکیل یک کلمه بدهند تنها یک تکیه می‌گیرند؛ مثال: پسر عمو ← پسر عمو، کار دستی ← کار دستی، کت و شلوار ← کت شلوار

اجزای واژه‌های غیر ساده گاه آن‌چنان با هم ادغام می‌شوند که تشخیص ساده از غیر ساده ممکن نیست؛ مثلاً می‌دانیم که «دشخوار» از دو جزء «دش+خوار» ساخته شده است، اما امروز این نوع واژه‌ها از نظر اهل زبان ساده به شمار می‌آیند. (اهل زبان پیشینه‌ی باستانی زبان را در نظر نمی‌گیرند. نمونه‌ای از این کلمات: زمستان «زمهریر+ستان»، تابستان «تاب+ستان»، دبستان «دب+ستان»، زرخدان «زرخ+دان»، خلیبان «خلا+بان»، ساریبان «سار+بان»، مژه «موی+ژه»، کسوجه «کوی+چه»، «کلوجه، پارچه، غنچه، پگاه، بنگاه، استوار»)

منابع و مأخذ

۱. ابوالقاسمی، محسن، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران، ۱۳۷۵
۲. امین مدنی، صادق، دستور زبان فارسی، ۱۳۶۳
۳. انوری، حسن، احمدی‌گیوی، حسن، دستور زبان فارسی، ۲، مؤسسه‌ی انتشارات فاطمی، ۱۳۷۰
۴. باطنی، محمدرضا، زبان و تفکر، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۹
۵. _____، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، امیرکبیر، ۲۵۳۶
۶. پنج‌استاد، دستور زبان فارسی، انتشارات واژه، ۱۳۶۹
۷. رولاند، ج، کنت، فارسی باستان دستور زبان، متون، واژه‌نامه‌ها، انتشارات حوزه هنری، ۱۳۷۹
۸. شریعت، محمدجواد، دستور زبان فارسی، اساطیر، ۱۳۷۶
۹. فرشیدورد، خسرو، گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، امیرکبیر، ۱۳۷۵
۱۰. _____، دستور مفصل امروز، تهران، ۱۳۸۲
۱۱. _____، جمله و تحول آن در زبان فارسی، انجیرکبیر، ۱۳۷۸
۱۲. مشکور، محمدجواد، دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی، انتشارات شرق، ۱۳۴۹
۱۳. ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، نشر نو، ۱۳۶۶

۱. از دو یا چند اسم: پدرزن، شتر گاو پلنگ، دادسرا
۲. از دو اسم با الف میانوند (وصل): پیشاپیش، سراسر
۳. از دو فعل هم‌جنس مثبت و منفی: کش‌مکش، هست و نیست
۴. از ترکیب بن ماضی و مضارع با دیگر کلمات: خاک‌ریز، سازوبرگ، سر رسید
۵. از تکرار ساخت امر یک فعل: بزبزن، بخوربخور
۶. از ساخت امر دو فعل جداگانه: بگیر ببند
۷. از صفت بیانی و اسم: نوروز، زنده‌رود
۸. از صفت بیانی و پسوند: خوبی، سفیده، گرما
۹. از اسم و پسوند: روزه، لاله‌زار، سنگلاخ
۱۰. از صفت شمارشی و اسم پسوند: دهه، پنجه، هزاره
۱۱. از صفت شمارشی و اسم و پسوند: دوراهی، دویستی
۱۲. از صفت شمارشی و اسم: چهارپا، سهره، چهارقد
۱۳. از پیشوند و اسم: بدست، وردست
۱۴. از تکرار صوت و اسم صوت: من‌من، پیش‌پیش، شرشر، ورور
۱۵. از اسم و اتباع: اخم و تخم، چرند و پرند، چیزومیز
۱۶. از گروه وصفی با تکرار اسم یا بن فعل و «ک» تصغیر، نسیت و آلت: بادکنک، روروک، دلخوش‌کنک

اسم مرکب در دستور جدید

اسم در دستور جدید از نظر ساخت تقریباً متفاوت با همه‌ی دوره‌هاست و چهار قسم است:

۱. بسیط یا ساده ۲. مشتق ۳. مرکب

اسم ساده: در دستور جدید کلمات به دو صورت ساده و غیر ساده می‌آیند (دستور زبان فارسی، دکتر وحیدیان و غلام‌رضا عمرانی، ج ۶، از انتشارات سمت)

اسم‌های ساده: آن است که فقط یک تکواژ آزاد داشته باشد؛ مثل: خوش، هوا، بیابان، گوسفند

اسم‌های غیر ساده: خود به سه صورت می‌آیند: مشتق، مرکب، مشتق مرکب

۱. مشتق: واژه‌ای که از یک تکواژ آزاد و یک یا چندوند تشکیل می‌شود؛ مثل: رفتن، دانشمند، خوبی، بهاره، کمانک

۲. مرکب: آن است که از دو تکواژ آزاد یا بیش‌تر تشکیل شود؛ مثال: چهارراه، یک‌رنگ، مداد پاک‌کن، آب‌دوغ‌خیبار، گلاب‌پاش

۳. مشتق مرکب: واژه‌ای است که ویژگی مرکب و مشتق را با هم داشته باشند؛ مثال: هیچ‌کاره، نوجوانی، دانشسرا، ناخودآگاه، حلقه به گوش، سه‌گوش

دستور نویسان جدید در تشخیص انواع اسم از نظر ساخت، نکات مفیدی را یادآور شده‌اند؛ از جمله:

۱. در واژه‌های مرکب یا مشتق مرکب هیچ تکواژی در میان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی واژه قرار نمی‌گیرد؛ مثال: واژه‌ی خوش‌نویسان را نمی‌توان به صورت خوش‌هانویس یا خوش‌این‌نویس به کار برد. اگر میان اجزای کلمه‌ی مرکب تکواژی قرار گیرد آن کلمه مرکب نیست و دو کلمه از هم جدا هستند، مثال: گل سرخ، گلی سرخ، گل‌های سرخ

۲. از آن‌جا که هر واژه یک تکواژ بیش‌تر ندارد، پس اگر کلمه‌ای با وند همراه شود و یک واژه‌ی مشتق بسازد یا با جزء معنادار دیگر همراه شود و یک کلمه‌ی مرکب بسازد باز هم یک تکواژ بیش‌تر ندارد؛ مثال:

گفت+و+گو=گفت‌وگو

دانش+نامه=دانش‌نامه